



ملاحظات کوتله در باب آینده نگری

آینده نگری گرچه سابقه یکصد ساله دارد و قواعدش کم و بیش تدوین شده است یک علم نظری نیست یعنی علمی نیست که آن را در مدرسه بیاموزند و در همه جا یکسان به کار برند. اگر ژاپن با شرایط اقلیمی نه چندان مساعد تا حدودی توانایی آینده نگری دارد و کشورهای با امکان های مادی کافی و شرایط مساعد از عهده آن برنمی آیند لابد آینده نگری شرایط و اسباب و عللی می خواهد که همه جا نیست یا موانعی هست که افق آینده را می بندد و چشم ها آن را نمی بینند. آینده نگری علم عملی به معنی اصطلاحی آن هم نیست که شامل اخلاق و سیاست و تدبیر منزل می شده است بلکه علم عمل است. به عبارت دیگر آینده -نگری محصول خردی است که از آن به خرد عملی و فضیلت عقلی تعبیر شده است. این خرد را با هوش و علم اشتباه نباید کرد زیرا هوش امر روان شناسی و فردی است و علم رسمی هم آموختنی است اما خرد و خردمندی در نظم عمومی و زندگی اجتماعی و فهم تاریخی ظاهر می شود.

راه آینده نگری را خرد عملی می یابد و البته این راه چراغ دانش روشن می کند. پس آینده نگری فهرست کردن مطلوب ها و آرزوها و خوب -ها و خوبی ها نیست بلکه اهتمام به متحقق ساختن خوب های ممکن است. آینده نگری علم به اینست که اکنون در شرایط کنونی چه باید کرد و چه می توان کرد و چگونه باید با هماهنگی آینده را ساخت؟ آینده چیزی نیست که موجود باشد بلکه آن را می سازند و برای ساختنش علم و همت هر دو لازم است و اگر هر یک از این دو نباشند کار به انجام نمی رسد. دانستن اینکه چه چیز خوبست و بجاست کافی نیست بلکه باید بتوان خوبی هایی را که می توان متحقق کرد شناخت و همت را صرف تحقق آن کرد. یک شرط دیگر هم باید رعایت شود و آن اینکه آینده مطلوب، وضعی بالنسبه متعادل و هماهنگ است. پس کارهایی که در راه آینده باید صورت گیرد باید ناظر به هماهنگی و تناسب و همراهی باشد. شرط همه آنها هم پروای آینده داشتن و دقت توأم با وسواس در درست انجام دادن کارها و اصلاح مداوم طرح ها و برنامه ها در ضمن عمل است. گفتن اینکه چه چیزها و چه کارها خوبست، دشواری ندارد. اینکه اکنون در اینجا چه کاری خوبست و چگونه می توان آن را انجام داد و اثرش چیست اهمیت دارد. متقدمان آینده نگری نداشتند بلکه پیشگویی می کردند نه اینکه بگویند با علم و عمل خود جهان را تغییر دهند. آینده نگری از قرن هجدهم در اروپا پدید آمد و به تدریج در کار سیاست و توسعه اقتصادی و اجتماعی کم و بیش تدوین تفصیلی پیدا کرد. اکنون جهان توسعه

یافته که دیگر امیدش برای رسیدن به مقصد و مطلوب قرن هجدهم تقریباً بر باد رفته یا بسیار کم‌رنگ و ضعیف شده است مقصدی جز تکنیکی کردن همه چیز و از جمله وجود آدمی ندارد. اما مطلوب جهان توسعه نیافته رسیدن به علم و تکنولوژی و اقتصاد و رفاه و نظم اداری و مصرف در جهان توسعه یافته است و می‌خواهد به جایی برسد که جهان توسعه یافته رسیده است. این خواست اگر صرف آرزو و حسرت باشد و با تقلید بخواهند به آن برسند هوس بیهوده است اما اگر بیاموزند که چه عوامل و شرایطی برای سیر در راه توسعه کم و بیش هماهنگ لازم است و همتی هم که باید صرف پیمودن آن راه شود وجود داشته باشد رسیدن به آن تا حدودی مقدور و میسر است. امری که در آینده نگرانی همواره باید منظور نظر باشد اینست که پیشرفت و توسعه یک امر جامع است و کارها باید با همکاری و هماهنگی صورت گیرد. مختصر اینکه آینده نگرانی نگاهی به وجود خود در عین خودآگاهی به شرایط بیرون است. آینده هر کشور و مردمی بستگی به خرد و دانایی و همتی دارد که مردمان از آن برخوردارند یعنی آینده را با دستورالعمل و مثل یک ماشین و ابزار نمی‌توان ساخت بلکه باید با قدم همت راه آن را پیمود. خطر بزرگ آینده نگرانی افتادن در دام اوهامی است که مکر تاریخ می‌خواهد همه را به آن گرفتار سازد.